

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه یزد

مجتمع هنر

دانشکده معماری و شهرسازی

رئیس انجمن هیئت مدیران  
موسسه شهرسازی

۱۳۸۱ / ۱۱ / ۲۰

پایان نامه کارشناسی ارشد

## طراحی محله مسکونی

اساتید راهنما: دکتر پرویز وزیری

دکتر کاظم مندکاری

دانشجویان: کیمیا غفوریان

محمود واحدیان

پاییز ۱۳۷۹

۴۴۵۰۹

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه
<b>فصل اول: مطالعات شهرسازی</b>	
۳-۱۴	- شهر و شهرنشینی:
۳	● شهر و شهرنشینی قبل از اسلام:
۶	● شهر و شهرنشینی پس از اسلام:
۱۲	● ویژگیهای کالبدی شهرهای ایران:
۱۳	● مدینه فاضله فارابی
۱۵-۲۸	- ساختار کلی فضاهای شهری
۱۸	● میدان
۲۴	● خیابان
۲۵	● راهها و نقش آن در مناطق مسکونی بافتهای تاریخی ایران
۲۵	● نقش و عملکرد راهها در بافتهای تاریخی
۲۶	● سلسله مراتب راهها در بافتهای تاریخی ایران
۲۹-۳۵	- معرفی و بررسی ساختار فضایی چند شهر
۲۹	● نائین
۳۰	● بروژ
۳۱	● یزد
۳۲	● شیراز
۳۶-۵۵	- معرفی کلی شهرهای جدید
۳۶	● بررسی تفصیلی شهر جدید سهند تبریز
۴۱	● شهر جدید پرند
۴۲	● شهر جدید هشتگرد:
۴۳	● شهر جدید اندیشه
۴۴	● شهر جدید پردیس

- شهر جدید طیس ..... ۴۵
- شهر جدید عالی شهر ..... ۴۶
- شهر جدید صدرا ..... ۴۸
- شهر جدید مجلسی ..... ۴۹
- شهر جدید مهاجران ..... ۵۰
- شهر جدید علوی ..... ۵۱
- شهر جدید گلپهار ..... ۵۲
- شهر جدید پولاد شهر ..... ۵۳
- شهر جدید رامشار ..... ۵۴
- شهر جدید بینالود ..... ۵۵
- مبنای طراحی فضاهای متوالی در معماری شهر ..... ۵۶-۷۳
- اصول و روش طراحی فضاهای متوالی در معماری شهری: ..... ۶۰
- بهداشت فضاهای شهری ..... ۷۴-۷۸
- عوامل مؤثر در بهداشت ..... ۷۴

### فصل دوم: بررسی و تجزیه و تحلیل بافتهای مسکونی

- مناطق مسکونی شهرهای عهد باستان ..... ۷۹-۸۵
- مناطق مسکونی شهرهای قرون وسطی: ..... ۸۶-۹۵
- مناطق مسکونی در شهرهای سده‌های هفدهم و هیجدهم میلادی ..... ۹۶-۱۰۳
- معرفی و بررسی چند بافت مسکونی معاصر ..... ۱۰۴-۱۱۸
- بافت مسکونی شهر جدید مجلسی ..... ۱۰۴
- بافت مسکونی شهر جدید بهارستان ..... ۱۰۹
- بافت مسکونی اراضی شوشتر ..... ۱۱۴

### فصل سوم: محله و مفهوم آن

- محله از دیروز تا امروز ..... ۱۱۹-۱۲۶
- محله و گذر در شهرهای کهن ..... ۱۲۲
- محله و معبر در شهرهای معاصر ..... ۱۲۵

- محله و خیابان در نظریه‌های شهرسازی..... ۱۲۶
- مطالعاتی پیرامون مسائل تأثیر گذار بر طراحی محله..... ۱۲۷-۱۶۶
- حریم خصوصی (نهان خواهی)..... ۱۲۷
- روانشناسی محیط‌های مسکونی..... ۱۳۴
- اصول و مبانی طراحی راههای شهری:..... ۱۴۱

#### فصل چهارم: اجزاء معماری طرح

- خانه:..... ۱۶۷-۲۱۶
- خانه ایرانی به روایت استاد محمد کریم پیرنیا..... ۱۷۰
- مسکن امروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی:..... ۱۷۷
- سازمان فضایی خانه‌های معاصر و معیارهای پیشنهادی برای طراحی خانه..... ۱۸۵
- مطالعه موردی فضاهاى سکونتی معاصر..... ۱۹۰
- تحول معماری خانه در نیمه دوم قرن حاضر..... ۱۹۷
- اثر عوامل طبیعی در کاهش مصرف انرژی خانه..... ۲۰۸
- دبستان..... ۲۱۷-۲۲۱
- مهد کودک..... ۲۲۲
- بازار..... ۲۲۲
- مسجد..... ۲۲۴-۲۳۵
- حمام..... ۲۳۶-۲۴۰
- فضای سبز..... ۲۴۱-۲۴۳

#### فصل پنجم: بررسی کلی در مقیاس استان

- خصوصیات جغرافیایی و اقلیمی..... ۲۴۴-۲۴۶
- خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی..... ۲۴۷-۲۵۰

#### فصل ششم: بررسی کلی در مقیاس شهر

- تحولات گذشته، وضع موجود و پیش بینی رشد و تحولات شهر در آینده..... ۲۵۱-۲۵۴
- عملکرد و نقش غالب اقتصادی در وضع موجود و آینده..... ۲۵۵-۲۵۷

- ۲۵۸-۲۶۶ ..... امکان‌ات رشد کالبدی، حدود جهات و مراحل توسعه شهر
- ۲۶۷-۲۶۸ ..... اصلاحات و پیش‌بینی‌های مربوط به وضعیت شبکه‌های عبور و مرور اصلی شهر
- ۲۶۹-۲۷۲ ..... شیب خیابانهای اصلی و سیستم کلی دفع آبهای سطحی شهر:
- ۲۷۳-۲۷۷ ..... کلیات تغییرات تراکم در مناطق و محلات مختلف شهر
- ۲۷۸ ..... مهاجرت
- ۲۷۹-۲۹۳ ..... مطالعات شرایط آب و هوایی:
- ۲۷۹ ..... ● دما و تغییرات آن
- ۲۸۲ ..... ● رطوبت نسبی
- ۲۸۳ ..... ● یخبندان
- ۲۸۴ ..... ● بارندگی
- ۲۸۶ ..... ● بادهای مسلط
- ۲۸۷ ..... ● تقسیم بندی های اقلیمی
- ۲۸۸ ..... ● نحوه استقرار واحدهای مسکونی:
- ۲۹۴-۳۰۱ ..... - بررسی کالبدی واحدهای مسکونی در شهر سراپله
- ۳۰۲-۳۰۹ ..... - روند ساخت مسکن طی ده سال گذشته در شهر
- ۳۰۲ ..... ● بررسی و چگونگی روند ساخت مسکن و تجزیه و تحلیل آمار مربوطه
- ۳۰۴ ..... ● ضوابط و مقررات ساختمانی و شهرسازی در شهر و محدوده مورد مطالعه

#### فصل هفتم: برنامه ریزی و تجزیه و تحلیل سایت

- ۳۱۰-۳۱۱ ..... برنامه ریزی مسکن
- ۳۱۲-۳۱۶ ..... بررسی و تجزیه و تحلیل سایت
- ۳۱۷-۳۱۹ ..... برنامه ریزی و نحوه استفاده از زمین در محدوده مورد مطالعه:

#### مقدمه

«عدم موفقیت‌هایی که بشر با آن مواجه می‌شود در واقع عکس العمل طبیعت است تا انسان مجبور به حفظ رعایت و نظم عمومی طبیعت باشد.»  
دکتر گیلارد

بی تردید جامعه ما دچار بحران اندیشه است، بدین معنی که بعد از یک قرن کوشش برای ایجاد جامعه نوین، اندیشه گران ایرانی هنوز توان تولید خود جوش، خودپو و گسترده دانش، علم، فن، فرهنگ و هنر را که پیش از آن از دست داده بودند، باز نیافته‌اند.

اینکه اندیشمندان معاصر ایرانی نتوانسته‌اند در حوزه‌های مختلف معرفت، تولید کننده اندیشه باشند و اساساً به مصرف‌کنندگی و تقلید بسنده کرده‌اند، کم کاری بزرگی است که ریشه آن را باید در رویکرد آن‌ها به جهان و از طریق روانشناسی اجتماعی رفتار آنان، بررسی و نقد کرد. به عبارت دیگر، همه تقصیرها را نمی‌توان به گردن شرایط تاریخی، توطئه اجنبیان، عقب ماندگی جامعه، یا بازدارندگی حاکمیت‌های گذشته انداخت؛ زیرا هنوز تاریخ را انسانها می‌سازند.

باید پذیرفت که بجز استثنائاتی، اندیشمندان معاصر ایرانی که در ابتدای این قرن نسبت به همگنان خود در سایر کشورهای توسعه یافته، پیشگام بوده‌اند، اکنون از غالب آنها عقب افتاده‌ترند. درخت وجودشان بار دانش امروز را نگرفته یا به ژرفای معرفت بشر نینداخته است. پس، نه به بالا، بلکه به زیر چرخ نیلوفری، افتان و خیزان، در پس قافله پویا و محتشم معرفت بشری راه می‌پویند.

بحران اندیشه، معماری و شهرسازی معاصر ایران را نیز در بر گرفته است. معماری و شهرسازی گذشته ایران، به عنوان برابند حکومت و فلسفه و علم و فن روزگار کهن، نتوانسته و نمی‌تواند قالب مناسبی برای محتوای دگرگون شده اجتماعی و اقتصادی روزگار ما باشد و برای فعالیت‌های بشر امروز، فضا یا کالبد دلخواه را فراهم کند؛ هر چند که این قالب کهن، فضای دلخواه پیشینیان را ایجاد می‌کرده و بیانگر روح و فرهنگ ایرانی بوده است.

از سوی دیگر، اندیشه‌ای که از شهرسازی و معماری نوین کشورهای پیشرفته صنعتی اقتباس شده و به ویژه در سه دهه

**دانشگاه معماری دانشگاه یزد**

اخیر به جامعه عرضه شده نیز نتوانسته است فضای مناسب و دلخواه را برای اعضای جامعه توسعه یابنده بنام «ایران» فراهم آورد؛ یعنی این اندیشه نه تنها فضایی مناسب را برای حیات جامعه‌ای نوین ایجاد نکرده، یا از این بابت بسیار ناقص است، بلکه روح ایرانی را از کالبد شهرها بیرون رانده است به سخنی کوتاه شهرسازان و معماران ما نتوانسته‌اند به سهم خود مبانی مدنیت نوین را به جامعه ایرانی عرضه کنند.

هر تصمیم و حرکت شهرسازانه باید از پیش اندیشیده، بسته به وضع موجود و با محاسبه وقایع احتمالی که ممکن است پس از این تصمیم‌گیری و حرکت رخ دهد انجام پذیرد. تصمیمات سریع و یک جانبه و سطحی (که توجیه خاص خود را دارد) باعث می‌شود که با حل موضعی و موردی، معضلات متعدد جدیدی ناخواسته تولید شوند. عابرینی که فضاهای شهری خود را برای مراودات اجتماعی و حتی برای حرکت پیاده از دست داده‌اند، قربانیان حل یک جانبه مسئله ترافیک سواره شده‌اند. سالخورده‌گان ناچارند محیط مأنوس و خودمانی محلات قدیمی خود را با مجموعه‌های بیروح و یکنواخت ولی از لحاظ کارکرد، کارا و بهداشتی تعویض کنند. این پیامدها، فقط نتیجه کوتاه بینی، اهمال یا غرض ورزی نیست، بلکه متأسفانه بسیاری از این پیامدهای منفی به عدم شناخت پیچیدگی مسائل مربوط می‌شود.

مدتهاست که در شهرسازی تأثیرات روانی محیط مصنوع بر انسان را نادیده گرفته‌ایم سیطره کمیت و تأکید کارگردگرایانه به مسائل شهری با آنکه دستاوردهای مادی زیادی را برای جامعه به ارمغان آورده‌اند ولی روح و لطف شهر را از آن ستانده است در حالیکه برای طراحی شهری نیازهای روحی شهروندان به همان اندازه اهمیت دارد که مسائل اقتصادی اجتماعی ترافیکی و... به همین خاطر فضاهای شهری، مانند خیابان، میدان و غیره باید به عنوان فضاهای مورد ادراک شهروندان و ناظران نه فقط جوابگوی نیازهای مادی، که روحی و روانی آنان نیز باشد.

محیط شهری چیزی نیست جز فضای زندگی روزمره شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه از منزل تا محل کار ادراک می‌شود. این محیط شهری که فضاهای عمومی شمرده می‌شود نقطه اشتراک زندگی کلیه شهروندان است. ارضای نیازهای اولیه مانند مسکن و رفاه نسبی باعث رویکرد به مسائل کیفی خواهد شد. نارضایتی عمومی از فقر زیبایی شناختی محیطهای شهری و نارضایتی از کاستیهای که باعث عدم ارضای روحی و روانی شهروندان شده، رو به افزایش است.

از فقدان ارتباط عاطفی شهروندان با فضاهای شهری گرفته تا یکنواختی و بی مکانی بافتهای جدید، معضلاتی هستند که نشان می‌دهند شهر سازی ما چه جنبه مهمی را نادیده گرفته است. با ادامه این روال و عدم اعتنا به نیازهای روانی حتی با توجیه «کمبود امکانات، و یا محدودیتهای قانونی، شریک جرم یا شاهد اشتباهات جدید خواهیم بود.» شهرسازی ما در ایران بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی، جمعیتی، حقوقی، فنی و ترافیکی و در بهترین حالات اجتماعی تکیه کرده است. جنبه‌های روان‌شناسی همیشه مورد بی مهری یا فراموشی قرار گرفته است امید است متخصصان فن و سیاستگذاران اجرائی هر چه بیشتر در جهت اعتلای جنبه‌های روان‌شناسی، زیبا شناختی و اجتماعی شهرسازی بکوشند.

فصل اول

مطالعات شهرسازی



### - شهر و شهر نشینی:

ایران جزء سرزمینهایی است که سابقهٔ یکجانشینی در آن قدمتی چند هزار ساله دارد. شهرهای کهن ایران فضایی هماهنگ شده با همان نظام اداری - اجتماعی داشته‌اند که بر آن‌ها گسترده بوده: عناصر و اجزاء تشکیل دهنده شهر از رابطه‌ها و نسبت‌ها، از فاصله‌ها و اندازه‌ها، از مرتبت‌هایی در جایگزینی و مکان یابی پیروی می‌کرده‌اند که، رایج روزگار بوده و منعکس کنندهٔ قراردادهای اجتماعی حاکم، همین شهرها، در سده‌های نزدیکتر به ما و بویژه در طول آخرین هزارهٔ عمرشان، دگرگونی بسیار جالب توجهی یافته‌اند.

بطور کلی میتوان مبانی و اندیشه‌های شهرنشینی و شهرسازی در ایران را طی دو دورهٔ کلی قبل و بعد از اسلام مورد بررسی قرار داد.

### - شهر و شهر نشینی قبل از اسلام:

این شهرها که بانیان آنان شخصیت‌هایی اساطیری‌اند و اولین سازندگان آنها را دیگر نمی‌توان باز شناخت زیرا نام و نشانشان را رویدادهای تاریخی ناخوانا نموده‌اند، از نظام اداری - اجتماعی معینی برخوردار بوده‌اند. در این شهرها، اندیشه‌ها و تدبیرهایی که زادهٔ اصول تجربی‌اند و پای بند به اخلاقیات و ادیان، ناظر به مظاهر طبیعت‌اند و قائم به نمادها و مفاهیم و ارزشها و اصولی که الهی به شمار می‌روند، در نظامی که بر همه چیز استیلا دارد تجلی می‌کنند. شهر، کلیتی به شمار می‌آید که پدیده‌های شکل دهنده و سازنده‌اش در دو سوی متقابل و مکمل در بر انگیختگی‌هایی که بی‌پایان می‌نماید شرکت مستمر دارند.

این پدیده‌ها را میتوانیم، به استناد آنچه میتوانیم قادر به بازشناسی‌اش باشیم، به دو ردهٔ اصلی تقسیم کنیم، آنهایی که به امور اجرایی و به جهان ملموس و روزمره و به معیشت مردمان و به چگونگی استقرار آنان در سرزمین‌ها و در شهرها مربوط‌اند و آن‌ها که به جهان دیگر، به دنیای الهی و معنوی، به ارزشهای انسانی ملهم از ادبیات اساطیری و از ادبیات هنری، به جهان ناملموس و دست نیافتنی، به متافیزیک و به تصوره‌های آرمانی... می‌نگرند.

**دانشکده معماری دانشگاه یزد**

شهر، در طول تجارب ایرانیان باستان، نهادی بوده متکی بر سرزمین و این، موجودیتی تلقی می‌شده که هر آن می‌توانسته دستخوش دو گونه خطر قرار گیرد: دشمن، که از سرزمینهای بیگانه بر می‌خاسته و طبیعت، که آدمیان را همیشه و الزاماً نوازش نمی‌کرده و زاینده تندبیا و تنگیهایی بوده خارج از توان انسانها.

شهر ایران باستان، نهادی بوده برخوردار از نظام اداری - اجتماعی بسیار مستحکم و بهمین دلیل نیز آسیب‌پذیر بوده و در مقابل دگرگونیها و نوآوریهای سیاسی، خشن و توانمند.

شهر توانمند، شهری که همانند نظام جهان باید پایدار بماند یا شهر نماینده خدا و سایه خداوند، نهاد مدنی منسجمی است که سوای تأثیر پذیریهایی گذرا از اندیشه‌ها و منش‌های شهری زیستن که سلوکیان در قسمتی از ایران رواج دادند، از موجودیتهای کالبدی و از ابزار اداری - اجتماعی خاص خود بنا می‌شده، و نمایانگر تجربه‌ای در زمینه شهر سازی و شهر نشینی است، متفاوت با آنچه انسانها در مصر باستان و در چین کهن، در روم باستان و در سواحل یونان تجربه کردند. از نوشته‌های نسبتاً محدودی که به شهرهای ایران کهن پرداخته‌اند، چنین بر می‌آید که شهر به مثابه نهادی بوده تابع مستقیم از نظام حکومتی - اداری و شکل فضای کالبدی آن نیز، تابع مستقیم همین نظام بوده است و این نظام حکومتی، با تفکیک شهروندان براساس کارشان به چهار طبقه اصلی، هر یک را مرتبتی خاص قائل بوده و مکانی معین و محدود را به آن اختصاص می‌داده است.

از پیکره‌های کالبدی شهرهای قدیمی ایرانی، به ویژه از دوران ساسانی، بازمانده‌هایی در اختیار ما قرار دارند که به‌مراه نوشتارهای توصیفی در ترسیم شهرها، راه را برای جمع‌بندیهای موازی و هم‌نوا با آنچه گفتیم باز می‌کند و نتیجه اینکه شهر دوران پیش از اسلام، بصورتی که مطمئن می‌نماید باز شناخته می‌شود. از یک سو نقشه‌ها و مقطع‌هایی که از شهرها می‌توانیم ترسیم کنیم، نمایانگر پیروی شهر از سلسله مراتبی است که در استقرار مکان طبقه‌های چندگانه شهرنشینان مراعات می‌شده و از سوی دیگر شواهدی مستند وجود دارند که این پیروی را تایید می‌کنند.

در مکتوباتی که در باب شهر و شهرنشینان در ایران پیش از اسلام وجود دارد؛ جامعه شهری، جامعه‌ای طبقاتی شناخته شده است و پیکر کالبدی شهر نیز، تابعی از این امر دانسته شده و هر یک از فضاهای محصور (کهندژ، شارستان، ریض) به مثابه نمادی به مفهوم بسته بودن هر یک از اینها به روی فضای بعدی شناخته می‌شود.

شهر ایران باستان را می‌توان نهادی بر شمرده دارای دو ویژگی اساسی: سازمان یافتگی و گشودگی نسبی؛ هر دوی این ویژگیها، مستقیماً بر چهره شهر و بر ترکیب اندامهای آن اثرگذاری مثبت داشته‌اند. سازمان یافتگی در فاصله‌ها و در نسبتهای حجمی و در چگونگیهای جایگزینی بازتاب دارد و گشودگی نسبی در محله‌بندیها و در حریمها، در همجواریها و در ارتباط فضایی و مکانی میان واحدهای معماری - شهری که بافت زنده شهر را تشکیل می‌دهند و در شارستان و در ریض، بر حسب نیاز، بنا می‌شوند.

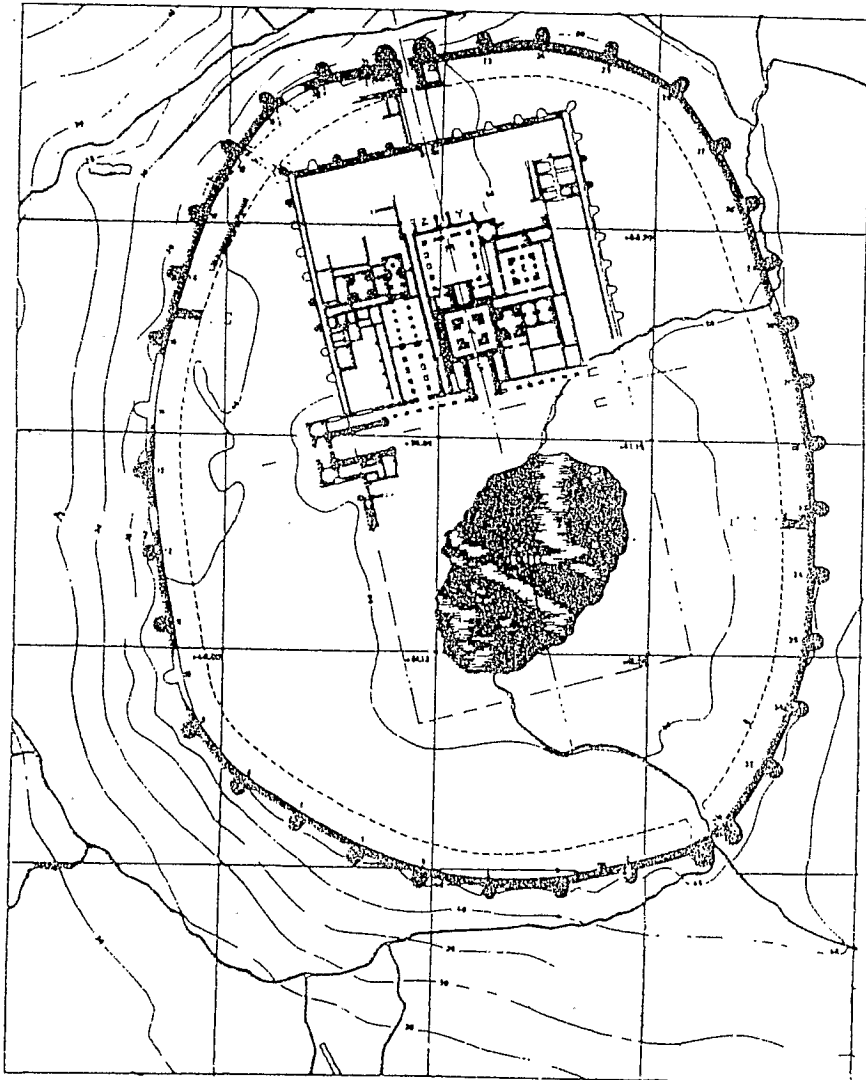
شهرهای کهن ایران، چه درون بارویی گرد جای گرفته باشند (تخت سلیمان) و چه درون بارویی مربع و مربع مستطیل (نیشابور) و چه درون حصاری بی‌شکل هندسی از این دست (گرگان، صدرروازه) فضای ساخته شده‌ای دارند متنوع و ناپیوسته که از همکاری سه بخش اصلی به وجود آمده است. کهندژ از ارتفاعی بسیار برخوردار است که هم به موضع جغرافیایی اش مربوط می‌شود و هم زادهٔ نیاز به دفاع و حفاظت است. عظمت و جلالتی که از معماری کهندژ برداشت می‌شود (که نایب هنوز آن را می‌نماید)، نه امری تصادفی است و نه بی‌رابطه با خاستگاههای حاکمان و مدیران شهر.

از سوی دیگر، سطح دیوارهای خارجی این بخش از شهر، چه تزئین شده باشند و چه خطوط و اشکالی هندسی به سادگی بر آنها منقوش شده باشند، دارای اندازه‌ها و تناسباتی هستند که در سایر بناها به آنها نیازی نیست و این امر البته به

تمایز نمودن کهندژ کمک می‌کند. برای رسیدن به این بخش یا هسته اصلی شهر، معمولاً راهی یکسره راست پیموده نمی‌شود و این امر نیز به تمایز فضای درونی شارستان از بنای کهندژ کمک می‌کند.

معماری بخش شارستان، متناسب با کاربرد آن از ارتفاع کم و از نظم ظاهری و شکلی برخوردار است. چیزی که در بخشهای چندان دورتر، در ریض، چندان ملموس نیست.

بافت شهری در قسمت مردمی و پر تراکم و پر تحرک، از شکل و ترکیب حجمی ساده و از تدابیری که خطی می‌نمایند برخوردار نیست چه در شهرهایی که چگونگی شبکه راهیابی‌شان، به سان صفحه شطرنج است و چه در آنها که این شبکه از تقاطعها و گذرهای پر پیچ و خم به وجود آمده آنگونه که از حفریات و بازمانده‌های کالبدی پیداست، از سازمان یافتگی خطی و صوری، نشان‌هایی اندک موجود است.



نقشه تخت سلیمان

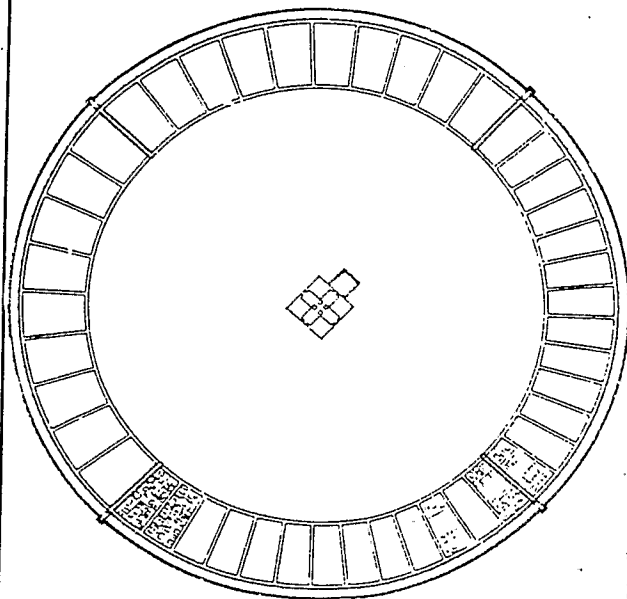
## شهر و شهرنشینی پس از اسلام

نخستین شهرهایی که پس از اسلام احداث شدند، اردوگاههایی بودند که در ابتدا برای استقرار سپاه مسلمان و مهاجرین تأسیس شده بودند. کوفه و بصره از این نوع شهرها بودند که در دهه دوم هجری ساخته شدند. در این دو شهر، ابتدا خانه‌هایی از نی احداث شدند و هر قومی در محلی سکونت گزیدند.

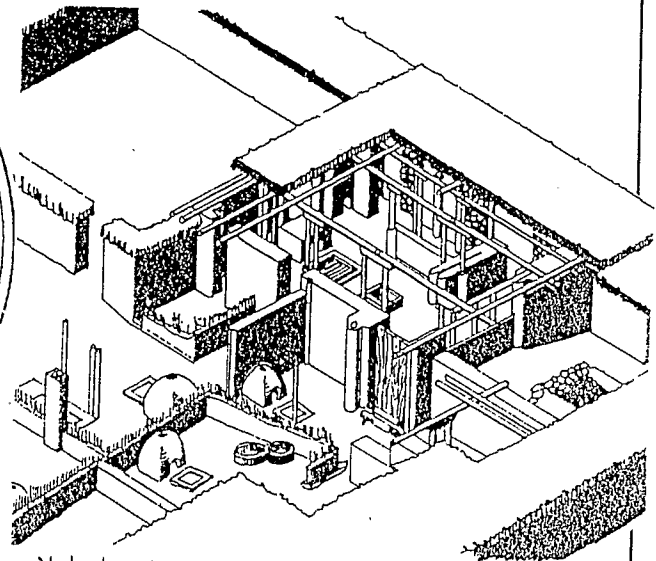
پس از چندی در شهرهای مزبور آتش سوزی رخ داد و تعدادی از خانه‌ها دچار حریق شدند و از میان رفتند. آنگاه از خلیفه دوم عمر اجازه خواستند که خانه‌ها را از خشت و گل بسازد وی به آنها اجازه احداث خانه‌هایی خشتی را داد و شرط کرد که کسی خانه‌ای با بیش از سه اتاق نسازد و ارتفاع خانه‌ها را نیز زیاد نگیرد.

نخستین بنایی که در هر یک از دو شهر ساخته شد، مسجد بود. برای احداث مسجد، تیراندازی نیرومند از میان زمین مسجد به سوی هر یک از جهات چهار تیر رها کرد. آنگاه در محل افتادن تیرها دیوار آن را ساختند. سپس سایه بان سقف و رواق آن ساخته شد. در بنای مسجد از ستونهای سنگین بناهای مخروبه قدیمی استفاده کردند و سپس در نزدیکی آن بیت المال و دارالاماره را بنا کردند. بر پایه سخن ابن اثیر خیابانها را چهل گز، میان خیابانها را بیست، کوچه‌ها را هفت و میدانها و خیابانهای عریض را شصت گز قرار دادند. فضایی نیز برای بازار در نظر گرفته شد که هر کاسبی که در آغاز روز، زودتر در محلی از آن مستقر می‌شد، تا پایان روز آن محل در اختیار او قرار می‌گرفت.

بغداد، یکی از بزرگترین شهرهای تازه بنیانی بود که نقشه آن بطور کامل از پیش طرح شده بود. (تصویر ۱) بنای شهر را منصور، خلیفه عباسی در سال ۱۴۱ هجری آغاز کرد. او برای تعیین محل دقیق نخست درباره آب و هوای آن نواحی پرسش و تحقیق کرد و سپس جای نزدیک دجله و فرات را انتخاب کردند که هم دارای آب و هوای مناسبی بود و هم امکان استفاده از دجله و فرات، به عنوان راه آبی وجود داشت، ضمن آنکه رودهای مزبور حفاظتی برای شهر بشمار می‌رفتند و آن را در برابر حمله‌های ناگهانی مصون نگاه می‌داشتند. نقشه مدور شهر تهیه شد و خطوط آن توسط مهندسان بر روی زمین ترسیم گشت و آن را با خاکستر مشخص کردند.



نقشه شهر دایره‌ای منصور، بغداد



تصویری از نخستین شهرهای اسلامی.

بارویی ستبر به ضخامت پنجاه گز بر پیرامون شهر احداث شد که ضخامت آن در بالا به بیست گز رسید. کاخ و مسجد جامع در میان شهر بنا شد. آنگاه بیت المال و محل دیوان خراج و دیوان مهر و سایر اداره‌های دولتی در محلی سپاه در نزدیکی مرکز شهر و پیرامون آن قرار گرفت. عرض راهها و خیابانهای اصلی را پنجاه ذراع و راههای فرعی و گذرها را شانزده ذراع معین کردند. برای هر محله، بازاری کوچک، مسجد و حمام ساخته شد. بازاری بزرگ در میان شهر احداث شد که در آن اعضای هر صنف درجایی خاص در کنار یکدیگر بودند و هر راسته‌ای از آن به تولید و فروش نوعی کالا اختصاص داشت. نیشابور، یکی دیگر از شهرهای مهم این دوره بود این شهر که در روزگار ساسانیان و چه بسا پیش از آن در دوره پارتیان احداث شده بود. در بیشتر دوره‌ها تا پیش از حمله مغول، پایتخت ناحیه ابرشهر بوده است. مسلمانان در سال ۳۱ هجری شهر را فتح کردند. ابومسلم خراسانی در هنگامی که به طرفداری از بنی عباس به تدارک نیرو می‌پرداخت، در سال ۱۳۱ هجری به نیشابور وارد شد و مدتی امارت آنجا را به دست گرفت. وی در مدت امارت خود مسجد بزرگی در شهر بنا کرد. پس از او، طاهریان بر خراسان امارت یافتند. در این عهد بر رونق و شکوه نیشابور افزوده شد و بناهای متعددی در داخل شهر و حومه آن ساخته شد. نیشابور در زمان صفاریان و بویژه در عهد سامانیان از پیشرفت و توسعه چشمگیری برخوردار شد. این شهر در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، دارالعلم خراسان بود. و در جهان اسلام از اعتبار و شهرتی علمی برخوردار بود و حداقل، مشخصات بیست مدرسه از مدرسه‌های آن بر جای مانده است.

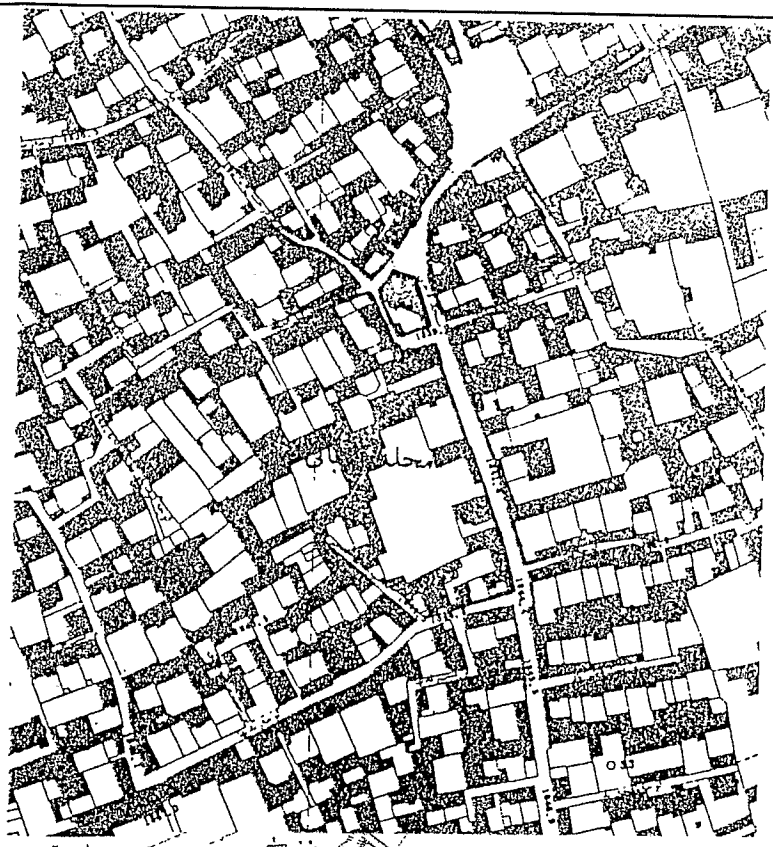
شیراز، یکی دیگر از شهرهای معتبر این عهد بخصوص در زمان آل بویه بود. عضدالدوله این شهر را به موازات بغداد، به پایتختی خود برگزید و در آن بناهای متعدد و بازار احداث کرد.

اصفهان نیز دیگر شهرهای مهم این عهد بود. این شهر در زمان سلجوقیان به سرعت ترقی کرد و جزء مهمترین شهرهای کشور در دوره آنان شد. ابن حوقل ضمن ستایش از اصفهان در نیمه دوم قرن چهارم هجری و اشاره به منسوجات ابریشمی و پنبه‌ای زعفران و میوه‌های گوناگون آن که به سایر نقاط صادر می‌شد، گفته که از عراق تا خراسان شهری تجاری بزرگتر از اصفهان، جزری، وجود نداشته است و بالاخره شهرهای غزنین، بلخ، ری، همدان، بخارا و یزد نیز از جمله شهرهای آباد این عهد بودند.

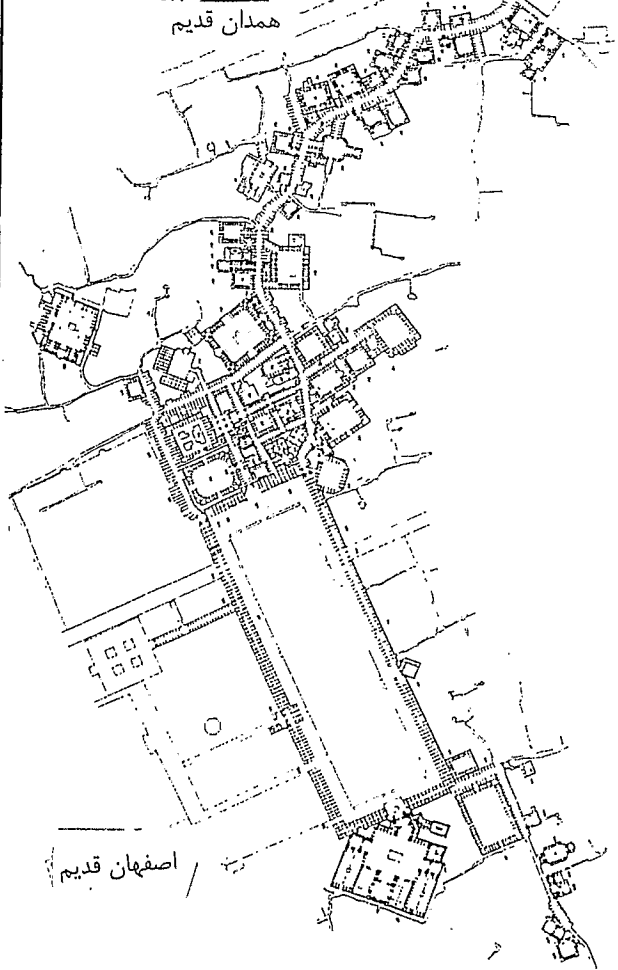
توسعه شهر نشینی موجب گسترش حومه شهرها و تکوین «ریض» بر پیرامون آنها شد. این ریض‌ها که در آغاز تنها شامل منازل مسکونی مهاجران می‌شد، بتدریج تکامل یافتند و فضاها و نهادهای شهری را در خود پدید آوردند. بازارهایی که نخست در کنار دروازه‌ها جای داشتند بتدریج در امتداد جاده و راه اصلی گسترش یافتند. سپس علاوه بر حجره‌ها و دکانهایی که محل عرضه یا تولید کالا بودند، خانبارها و کاروانسراهایی برای فرود کاروانها و استقرار دفترهای تجاری و اقامت بازرگانان در امتداد بازار شکل گرفتند. رشد روز افزون جمعیت ساکن در ریض سبب شد که در برخی از شهرها، بخش اصلی و قدیمی شهر یعنی شارستان از رونق بیفتد و بیشتر نهادهای حکومتی، اداری و تجاری در ریض ساخته شوند.

عصر آل بویه بخصوص زمان عضدالدوله، و عهد سامانیان و عصر سلجوقیان، بویژه هنگام صادرات خواجه نظام الملک، از درخشندترین اعصار این دوره در توسعه و رونق شهرها بود.

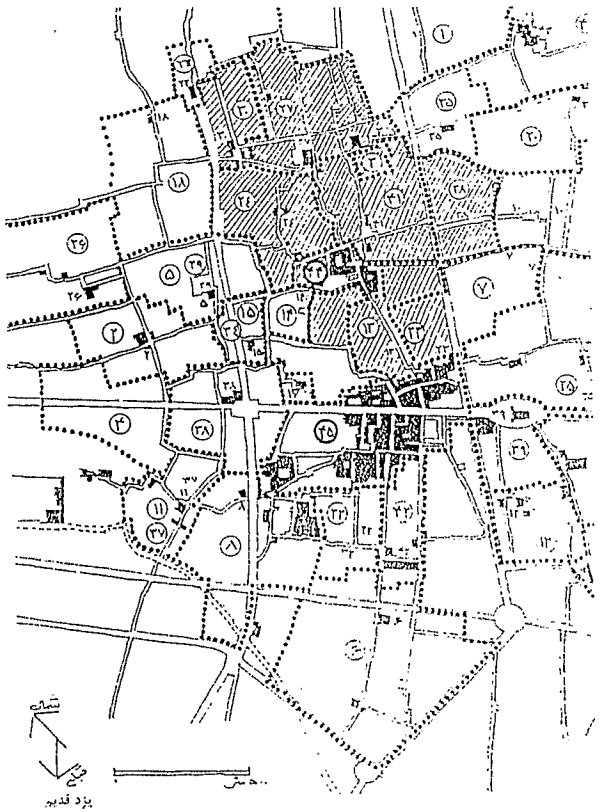
شهروندان در واحدهایی متشکل موسوم به محله زندگی می‌کردند. در هر شهر علاوه بر بازار، مسجد جامع و مسجدهای محلی و به تعداد کافی حمام و دیگر تجهیزات شهری وجود داشت. در دارالملک‌ها، و شهرهای بزرگ، تعداد زیادی بناهای عام المنفعه از جمله مدرسه و رباط توسط امرا و اعیان محلی ساخته می‌شد.



همدان قدیم



اصفهان قدیم



یزد قدیم

دانشگاه معماری دانشگاه یزد

از جمعیت شهرهای این عهد اطلاعات دقیق و روشنی در دست نیست و بیشتر مورخان و سیاحان در گزارشهای خود گزارفگویی کرده‌اند. ناصر خسرو قبادیانی که در گزارشهای خود جانب درستی و صداقت را همواره رعایت می‌کرده است، درباره جمعیت شهر ارجان، که شهری متوسط در فارس و نزدیک خوزستان بود، می‌گوید که در آنجا بیست هزار فرد ساکن بودند. جمعیت بلخ نیز در آغاز قرن هفتم هجری در حدود دویست هزار نفر برآورد شده است. با توجه به گزارش مورخانی که در مورد کشتار ناشی از حمله مغول در شهرهای بزرگ سخن گفته‌اند، می‌توان حدس زد که جمعیت شهرهای بزرگ و درجه اول به بیش از نیم میلیون نفر می‌رسیده است.

پس از یورش مغول، برخی از جانشینان چنگیز پس از آن که شیوه چادرنشینی را بتدریج کنار نهادند و با فرهنگ غنی و برتر ملت‌های مغلوب آشنا شدند و در شهرها جای گرفتند به فکر جبران بخشی از خرابیهای حاصل از یورش چنگیز افتادند. اوکتای فرمانی مبنی بر عمارت و بازسازی بعضی از شهرهای ویران شده مانند بخارا، هرات، گنجه، ترمذ و نیشابور را صادر کرد. و عطاملک جوینی - برادر شمس الدین محمد جوینی وزیر - هم در منصب حکومت بغداد و عراق بازسازی و عمران شهر بغداد را بر عهده گرفت؛ اما عموم اقدامات انجام شده تا پیش از عهد غازان خان به سبب عدم اتکا به نیروها و سرمایه‌های مردم و فقدان قوانین و مقررات کافی برای رونق زندگی شهری و فعالیتهای اقتصادی، نتوانست تأثیر رضایت بخشی بر شهرها و اقتصاد کشور بر جای گذارد و خسارتها و زیانهای پیشین را جبران کند حتی گاه عمارت و آبادانی شهری به بهای ویران شدن شهر دیگری تمام شد، زیرا روش معمول مغول در بنای ساختمانها و مجموعه‌های شهری چنین بود که عده‌ای از اهالی یک یا چند شهر را به زور برای بیگاری می‌بردند و به این ترتیب آبادی شهر یا ناحیه‌ای موجب رکود و انحطاط حیات اجتماعی در شهر دیگری می‌شد.

شهرهای نواحی فارس و کرمان مورد حمله سپاه مغول واقع نشد و در شهرهای بزرگ این نواحی مانند شیراز، تحت حکومت اتابکان فارس، زندگی کمابیش به روال معمول ادامه یافت. حداقل، مشخصات ۳۱ مدرسه مذهبی که از آغاز حمله مغول تا قرن دهم هجری در این شهر احداث شد و نشانه‌ای از رونق و اعتلای شهر نشینی در آن بود موجود است. کرمان نیز تحت حکومت قراختائیان و آل مظفر، از ویرانی ناشی از یورش مغول مصون ماند. برخی از حکام و امرای قراختایی در کرمان عمارتها و کاریزهای احداث کردند که منجر به افزایش ارزش زمین و سهام آب شد و این افزایش گاه بی سابقه بود. امرای آل مظفر و تیموری و به تبع آنها، اعیان و بزرگان محلی، در شهر یزد نیز تعداد زیادی بنا و مجموعه شهری ساختند. حداقل تعداد ۲۹ مدرسه در این دوره در شهر یزد احداث شد.

اما نخستین فعالیت مؤثر شهرسازی در عهد غازان خان آغاز شد. در اثر اصلاحاتی که در زمان او انجام شد بسیاری از شهرها آباد شدند و قیمت زمین ترقی کرد و بهای خانه ده برابر افزایش یافت. به ادعای خواجه رشیدالدین، در بعضی از شهرها سالیانه بیش از هزار خانه ساخته می‌شد. در این دوره تبریز که دارالملک ایران بود نیز گسترش یافت. بارویی برگرد شهر کشیده شد و باغها و بخشی از حومه را در بر گرفت. همچنین چهار بازار و حمام در آن بنا شد و مقرر شد که بازرگانان نخست در کاروانسراهای مزبور فرود آیند و کالاهای آنان بازرسی شود، سپس به گرمابه روند و آنگاه به شهر وارد شوند. یورش تیمور سبب خرابی و سقوط تعدادی از شهرها و آبادیهای کشور شد. او صنعتگران و نیروهای متخصص نواحی فتح شده و شهرهای صنعتی و بازرگانی را به اجبار به ماوراء النهر می‌فرستاد تا در آنجا به کار اشتغال ورزند و زمینه پیشرفت صنعتی و آبادی شهرها و نواحی آنجا فراهم شود. تیمور هزینه و نیروی بسیاری صرف آبادی و رونق ماوراءالنهر کرد.

در شهرهای ایران در دوره تیموریان، هیچ گونه امنیت قضایی و اجتماعی وجود نداشت. مأموران و سفیران تیمور بر جان و مال و ناموس مردم دست‌انداری می‌کردند و کسی جرأت اعتراض نداشت. پس از مرگ تیمور، فرزندش شاهرخ به